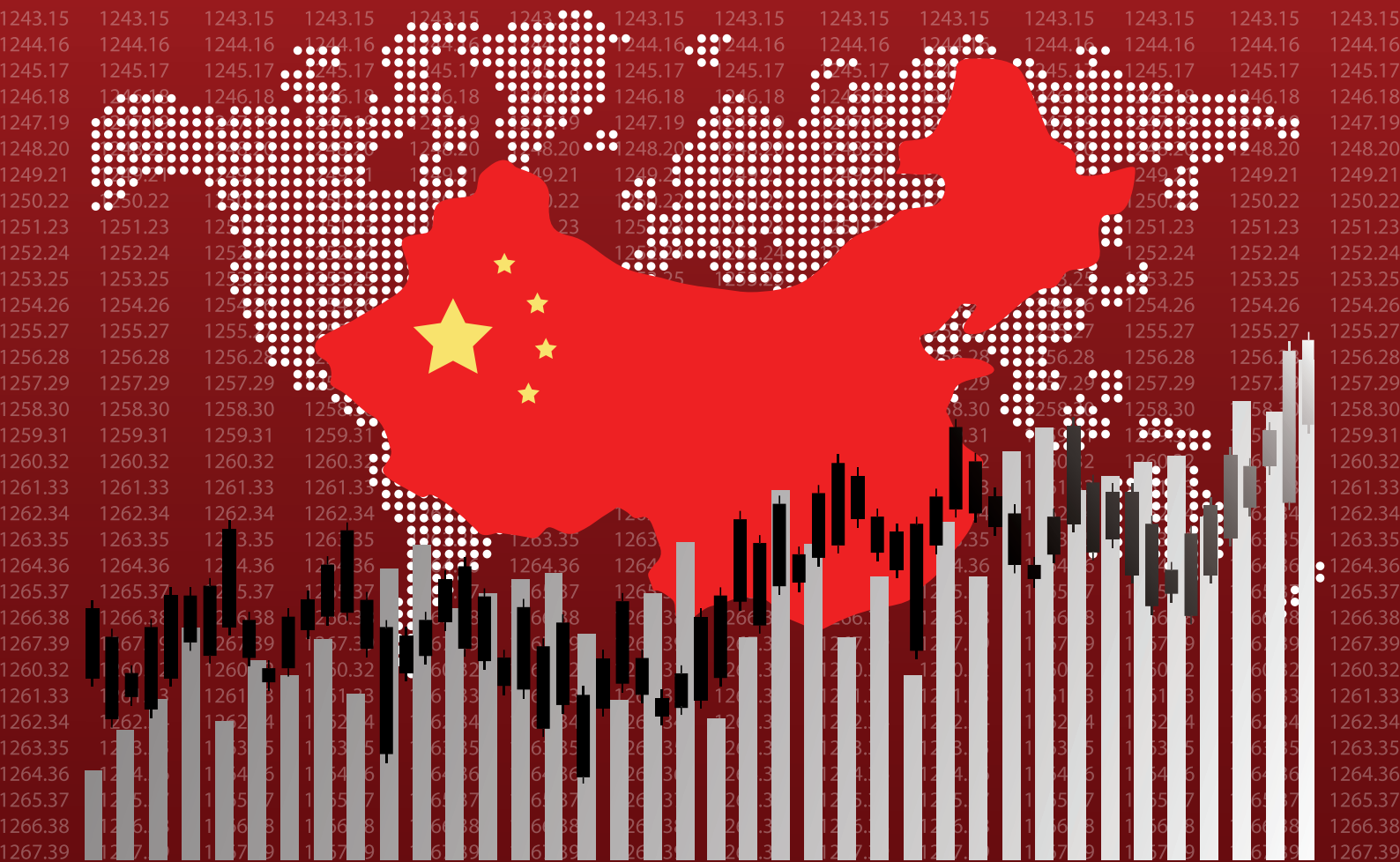




مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

دلالت‌های تحول در سیاست‌های توسعه‌ای چین برای دیپلماسی اقتصادی



خرداد ۱۴۰۲

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

دلالت‌های تحول در سیاست‌های توسعه‌ای چین برای دیپلماسی اقتصادی

مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: خرداد ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی: دام درآمد متوسط، پیامدهای زیست محیطی، سیاست کووید صفر، توسعه سبز و کم کربن، چرخه دوگانه، سیاست‌های توسعه‌ای

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	خلاصه کاربردی
۷	مقدمه
۸	بخش نخست؛ چالش های توسعه و دیپلماسی اقتصادی چین
۱۳	بخش دوم؛ بازناندیشی سیاست های توسعه ای
۲۰	بخش سوم؛ تغییرات در سیاست های توسعه ای و دیپلماسی اقتصادی چین
۲۶	جمع بندی



خلاصه مدیریتی

- با وجود تغییر در برخی از ابعاد سیاست خارجی چین، هنوز دولتی توسعه‌گرا در این کشور بر سر کار است، بدان معنا که پیشبرد توسعه اقتصادی مهم‌ترین اولویت حزب کمونیست چین محسوب می‌شود و به نوعی مشروعیت تسلط انحصاری این حزب بر بلوک قدرت را فراهم می‌کند. از همین رو می‌توان مدعی شد که دیپلماسی اقتصادی به عنوان تابعی از سیاست‌های توسعه‌ای حزب طراحی، عملیاتی و متحول می‌شود.
- در یک دهه اخیر سیاست‌های توسعه‌ای چین تحت تاثیر چالش‌هایی که در درون به وجود آمده و نیز تغییر محیط بین‌المللی، متحول شده‌اند. در داخل چالش‌هایی همچون پیامدهای زیست‌محیطی مخرب ناشی از پیشبرد سریع توسعه اقتصادی، افزایش ریسک گرفتار شدن چین در دام درآمد متوسط، نیاز فزاینده این کشور به منابع و مواد خام و آثار منفی سیاست کووید صفر جملگی زمینه‌هایی را برای تغییر سیاست‌های توسعه‌ای به وجود آورده‌اند. از دیگر سو تغییر محیط بین‌المللی چین و نگرانی فزاینده کانون‌های قدرت و ثروت بین‌المللی از رشد پرشتاب این کشور شرایط را نسبت به دهه‌های نخست برنامه‌اصلاحات و سیاست‌درهای باز متفاوت کرده است. کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده به طور فزاینده چین را به عنوان رقیب و حتی تهدید تصویر می‌کنند و موانع فزاینده‌ای پیش پای گسترش ژئواکونومیک این کشور می‌گذارند.
- ترکیب عوامل داخلی و بین‌المللی زمینه را برای بازاندیشی سیاست‌های توسعه‌ای چین فراهم آورده است. در این قالب چین گذار از نقش آفرینی به عنوان کارخانه جهان به کانون فناوری و نوآوری جهان را آغاز کرده است و به سرعت در این مسیر به پیش می‌رود. افزون بر این پیشبرد توسعه سبز و کم‌کربن و کاهش اتکا به اقتصاد صادرات محور در قالب چرخه دوگانه مهم‌ترین ابعاد تغییر در سیاست‌های توسعه‌ای چین محسوب می‌شوند.
- چنانچه در گزارش اشاره شده است توسعه اقتصادی چین در متن و بطن اقتصاد جهانی شکل گرفته و همچنان به عنوان بخشی از اقتصاد جهانی به پیش می‌رود. به دیگر سخن چین هم‌موتور اقتصاد جهانی محسوب می‌شود و هم از دیگر سو در اقتصاد جهانی تنیده شده است. از همین رو این کشور دیپلماسی اقتصادی خود را به گونه‌ای در سال‌های اخیر هدایت کرده است که به افزایش نقش و وزن آن در ساختارهای اقتصاد جهانی بدون برهم زدن این ساختارها منتهی شود.
- در این راستا چین از بازیگری قاعده‌پذیر به بازیگری قاعده‌نویس تغییر نقش و جایگاه داده است و با شکل دهی به بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و ایجاد نظام نوین وام‌دهی قواعد جدیدی در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل طراحی کرده است. افزون بر این با طراحی و اجرای

بزرگترین مگا پروژه تاریخ بشر تحت عنوان پروژه کمربند و راه نقش کلیدی در شکل دهی به روندهای اقتصاد جهانی یافته است. تازه ترین نماد نقش آفرینی چین به عنوان بازیگر قاعده نویس در اقتصاد جهانی شکل دهی به بزرگترین موافقتنامه تجارت آزاد جهان موسوم به مشارکت جامع اقتصادی منطقه ای است.

- آنچه در تمامی این ابتکارها مشهود است آنکه چین به عنوان رقیبی در برابر قدرتهای بزرگ نظم بین الملل لیبرال و به ویژه ایالات متحده قد علم کرده است. اما در عین حال قدرتی است که برخلاف شوروی از منافع بسیار کلانی در نظم موجود بین المللی برخوردار است. از همین رو روند نظم سازی چین در اقتصاد جهانی در راستای ایجاد تحولات درون سیستمی و نه برهم زننده نظام حکمرانی اقتصاد جهانی قرار دارد. نهادهایی که چین شکل داده عمدتاً در رقابت با ساز و کارهای سنتی حکمرانی اقتصاد جهانی و نه در تعارض با آنها قرار می گیرند.

- چین روابط اقتصادی با ایران را به عنوان بخشی از دیپلماسی اقتصادی کلان خود در صحنه بین المللی می نگرد و در این چارچوب با ایران تعامل می کند. در این تعامل حفظ هسته اقتصاد سیاسی بین الملل در سطح کلان و جلوگیری از آسیب ناشی از تحریمها بر موقعیت شرکت‌های چینی و در عین حال مقابله حداقلی با تحریم های یکجانبه توأمان در دستور کار چین قرار دارد.
- چین به عنوان یک فشار شکن در برابر تحریم های ایالات متحده علیه ایران عمل می کند. این کشور در سال‌های اخیر نقش مهمی در مقابله ایران با فشارهای تحریمی ایفا کرده است، اما انتظار نقش آفرینی چین در توسعه ایران در شرایط تحریمی با واقعیات دیپلماسی اقتصادی چین نمی خواند. چین احتمالاً مادامی که ایران تحت تحریم باشد شرکت های مهم خود را وادار به همکاری با ایران و در نتیجه قرار گرفتن در معرض مجازات های تحریمی ایالات متحده نخواهد کرد.

مقدمه

سخن گفتن از دیپلماسی اقتصادی چین توأمان آسان و دشوار است. از یک سو به دلیل آنکه تحولات این کشور هر روز در میان اخبار رسانه‌های داخلی و خارجی قرار دارد و طیف وسیعی از مطالب در مورد آن منتشر می‌شود. بنابراین به آسانی می‌توان کلیشه‌های رایج در مورد این کشور و دیپلماسی اقتصادی آن را تکرار کرد. از دیگر سو تبیین دیپلماسی اقتصادی چین در عصر اطلاعات (که در آن تفکیک اطلاعات معتبر و نادرست دشوار است) به طور فزاینده‌ای پیچیده است. این دشواری در مورد چین که دولت آن به سکوت تمایل ویژه‌ای دارد و جامعه مدنی آن به شدت ضعیف است، نمایان تر است. با وجود این دشواری‌ها، گزارش حاضر می‌کوشد برداشتی تا حدی غیر کلیشه‌ای از دیپلماسی اقتصادی چین ارائه دهد و به اختصار دلالت‌های الگوی چینی دیپلماسی اقتصادی برای روابط این کشور با ایران را مورد بحث قرار دهد.

روشن است که چین یکی از جذاب‌ترین داستان‌های توسعه در دهه‌های اخیر را روایت کرده است. سهم این کشور از تولید ناخالص داخلی جهان از سهمی ۲٫۵ درصدی^۱ در ۱۹۸۰ و مقارن با آغاز برنامه اصلاحات و سیاست درهای باز به سهمی ۱۸٫۵ درصدی در ۲۰۲۱ افزایش یافته است.^۲ چین کنونی اقتصادی ۱۷ تریلیون دلاری است و سهم آن در تجارت جهانی بیش از ۱۵ درصد است.^۳ کمتر کشور در حال توسعه ای می‌تواند یافت که در دهه‌های اخیر چنین موفقیتی به دست آورده باشد. از آنجا که چین قابلیت‌های تبدیل شدن به یک ابر قدرت را دارد، پیامدهای رشد و توسعه آن بسیار فراتر از کشورهایمانند کره جنوبی، سنگاپور و سایر قدرت‌های تازه صنعتی شده است. رشد اقتصادی کم نظیر چین می‌تواند توزیع ثروت و قدرت در اقتصاد سیاسی و سیاست بین‌الملل را دگرگون نماید، دگرگونی‌ای که آثار و نشانه‌های آن فزاینده‌اند.

چه عواملی در تداوم و تغییر دیپلماسی اقتصادی چین موثرند؟ چین به عنوان دومین قدرت بزرگ اقتصادی جهان چه اولویت‌هایی را در دیپلماسی اقتصادی پیگیری می‌کند؟ آیا شوروی جدیدی در حال ظهور است که اقتصاد سیاسی بین‌الملل را به دو بلوک تقسیم خواهد کرد؟ آیا چین برنامه مدونی برای شکل دهی به یک بلوک اقتصادی مجزا دارد یا همچنان در قالب‌های نظم بین‌الملل لیبرال، قالب‌هایی که ایالات متحده و متحدان آن‌ها دهه‌ها پیش طراحی کرده‌اند رفتار می‌کند؟ دلالت‌های دیپلماسی اقتصادی چین برای روابط این کشور با ایران کدامند؟

1- <https://www.statista.com/statistics/270439/chinas-share-of-global-gross-domestic-product-gdp/>

2- <https://www.worldeconomics.com/Share-of-Global-GDP/China.aspx>

3- <https://english.news.cn/20230114/dd9d7df9d8a34d4caa0b9621494e3abd/c.html#:~:text=The%20country%20takes%20up%2014.7,%2C%20and%203.7%20percent%2C%20respectively.>

بخش نخست: چالش‌های توسعه و دیپلماسی اقتصادی چین

عوامل شکل دهنده به دیپلماسی اقتصادی چین را در دو سطح خرد و کلان می‌توان مورد بحث قرار داد. سطح خرد عوامل داخلی و به ویژه سیاست‌های ملی و سطح کلان تحولات محیط بین‌المللی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در سطح داخلی علیرغم گذشت چهار دهه از آغاز برنامه اصلاحات و سیاست‌های باز که چین را از ساختار دولتی انقلابی به توسعه‌گرا تغییر هویت داد، دولت همچنان توسعه‌گرا باقی مانده است. در واقع، پیشبرد توسعه اقتصادی انتخاب راهبردی چین محسوب می‌شود.^۱

توسعه اقتصادی برای کشوری با مختصات چین ابعاد مشروعیت‌ساز بسیار مهمی دارد. از دوره اصلاحات و سیاست‌های باز منابع مشروعیت حزب کمونیست چین از انقلابی‌گری به توسعه‌گرایی تغییر کرده است. به بیان دیگر حزب کمونیست چین خود را به عنوان طلایه دار توسعه در چین و نماینده نیروهای پیشرفته در ساختار اجتماعی معرفی کرده است. از همین رو از دوره اصلاحات و سیاست‌های باز نوعی قرارداد اجتماعی میان دولت و جامعه شکل گرفته که در قالب آن حزب کمونیست توسعه را به پیش می‌برد. این قرارداد اجتماعی هنوز بر روابط دولت-جامعه در چین حکمفرماست.

بنابراین برخلاف برخی تصورات، دولت چین از ساختاری توسعه‌گرا به هویتی امنیتی (همچون روسیه) تغییر ماهیت نداده است. واکنش محتاطانه و اقتصاد محور چین به جنگ اوکراین تازه‌ترین شاهد تداوم دولت توسعه‌گرا در چین است.^۲ دقت در سخنان شی جین‌پینگ به عنوان رهبر بلامنازع چین و تحلیل محتوای اسناد بالادستی این کشور به خوبی تداوم حیات دولت توسعه‌گرا را نشان می‌دهد. شی جین‌پینگ در یک دهه اخیر در تعیین جهت‌گیری کلان چین همواره بر تداوم دولت توسعه‌گرا تأکید کرده است. تحقق بخشی به "رویای چینی" که به عنوان استراتژی کلان شی جین‌پینگ در داخل و نیز «ابتکار کمربند و راه» که در صحنه بین‌المللی به نام او شناخته می‌شود به روشنی جهت‌گیری توسعه‌گرایانه رییس‌جمهور قدرتمند چین را نشان می‌دهد. رویای چینی به عنوان استراتژی کلان رییس‌جمهور چین، نماد تداوم حیات دولت توسعه‌گرا محسوب می‌شود. رویای چینی که شی مطرح کرده است بر پنج پایه زیر قرار دارد:

۱- اقتصاد دانش بنیان

۲- اقتصاد همگون

۳- اقتصاد سبز

۴- چین گشوده به روی جهان

۵- چین برخوردار از رشد اقتصادی فراگیر^۳

1- <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/twec.12215>

2- <https://www.wilsoncenter.org/blog-post/chinas-strategic-calculations-russia-ukraine-war>

3- Inclusive growth

از منظر شی رویای چینی باید تحت تسلط حزب کمونیست چین تا نیمه قرن ۲۱ و مقارن با صدمین سالگرد پیروزی انقلاب چین محقق گردد. در یک دهه ای که از رهبری شی بر حزب کمونیست و دولت این کشور میگذرد، او همواره توسعه را در کانون سخنرانی‌های خود قرار داده است.^۱ البته شرایط داخلی و بین‌المللی چین کنونی با دوره رهبران پیشین تفاوت‌های مهمی دارد. از همین رو تصورات شی جین‌پینگ از روند پیشبرد توسعه در این کشور و دیپلماسی اقتصادی آن تفاوت‌های مهمی با آنان دارد. اما در سطح کلان جهت‌گیری حزب کمونیست چین رویکرد توسعه‌گرایی دولت در دوره او نیز تداوم یافته است.

افزون بر سخنان رییس‌جمهور قدرتمند چین، اسناد بالادستی این کشور که از سوی شورای دولتی منتشر می‌شود و مورد تأیید حزب کمونیست نیز هست، بر پیشبرد توسعه اقتصادی به عنوان مهمترین رسالت حزب و دولت این کشور تأکید دارد. محتوای سند بالادستی "چین و جهان در عصر جدید" که در سال ۲۰۱۹ از سوی شورای دولتی منتشر شده است، به خوبی تداوم توسعه‌گرایی و دولت توسعه‌گرا در چین را نشان می‌دهد. در این سند آمده است: «چین با هدایت اندیشه‌های شی جین‌پینگ در مورد سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی در عصر جدید، به پیشروی در مسیر سوسیالیستی خود ادامه خواهد داد. ما متعهد به رویکرد مردم‌محور هستیم و اولویت را به توسعه داده‌ایم. ما طرح یکپارچه پنج‌بخشی را برای پیشبرد توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی به کار گرفته‌ایم و یک راهبرد جامع چهارجانبه را برای نیل به یک جامعه نسبتاً مرفه از همه جهات، اصلاحات بیشتر، پیشبرد حاکمیت قانون و تقویت نظم حزبی [کمونیستی] را اجرا کرده‌ایم. ما باید تلاش کنیم تا چین را به یک کشور سوسیالیستی قوی و مدرن تبدیل کرده و به سوی احیای تمدن چینی حرکت کنیم.»^۲

چین توسعه اقتصادی را در مرکز تلاش‌های خود برای احیای تمدن چینی قرار می‌دهد، [فرایند] توسعه با کیفیت را ترویج و با اراده‌ای استوار، چشم‌انداز جدیدی را برای توسعه نوآورانه، هماهنگ، سبز، باز و فراگیر دنبال می‌کند. ما به نوسازی اقتصاد خود سرعت خواهیم داد تا نیازهای روزافزون مردم برای زندگی بهتر را برآورده کنیم. اصلاحات همه‌جانبه نظام اقتصادی بیشتر خواهد شد تا اطمینان حاصل شود که بازار نقش تعیین‌کننده‌ای در تخصیص منابع ایفا می‌کند و دولت وظایف خود را بهتر انجام می‌دهد. ما برای ایجاد انگیزه درون‌زا جهت توسعه اقتصادی سالم و پایدار، اصلاحات ساختاری در طرف عرضه را به پیش خواهیم برد. ما به اجرای استراتژی توسعه مبتنی بر نوآوری ادامه خواهیم داد، فرصت‌های توسعه‌ای ارائه شده توسط رشد فناوری دیجیتال، شبکه‌ای و هوشمند را در خواهیم یافت، حفاظت از حقوق مالکیت معنوی را افزایش خواهیم داد، توانایی و قدرت خود را در نوآوری گسترش داده و محرک‌های جدیدی را برای رشد خلق خواهیم کرد. چین علم و فناوری را جهت بهره‌مندی بیشتر مردم به پیش می‌برد، به منظور به اشتراک گذاشتن دستاوردهای علمی و فناوری با سایر کشورها، گسترش همکاری‌های بین‌المللی را در دستور کار قرار می‌دهد و از طریق نوآوری‌های نوآورانه، مزایای بیشتری را برای مردم سراسر جهان به ارمغان می‌آورد.

1- https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjdt_665385/zyjh_665391/

۲- این جملات صورت بندی دیگری از رویای چینی است که از سوی شی جین‌پینگ مطرح شده است.

جستجوی یک زندگی بهتر برای مردم چین همیشه هدف اصلی چین بوده است. ما تلاش‌هایمان را برای تضمین و بهبود استانداردهای زندگی تشدید خواهیم کرد و به همه مردم این امکان را می‌دهیم که به طور عادلانه و کامل از ثمرات اصلاحات و توسعه بهره‌مند شوند. ما کاهش و حذف هدفمند فقر را پیگیری خواهیم کرد تا اطمینان حاصل کنیم که فقر مطلق اساساً از بین می‌رود و این امر، مردم را قادر می‌سازد تا از عواید رشد اقتصادی بهتر بهره ببرند و سهم جدیدی در کاهش فقر جهانی داشته باشند. چین فعالانه از دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل برای توسعه پایدار پیروی می‌کند، در مورد تعهد خود به ترویج توسعه سبز ثابت قدم می‌ماند و بهره‌گیری از سبک‌های زندگی و مدل‌های رشد سازگار با محیط زیست را سرعت می‌بخشد. این کشور یک نقش پیشرو را در همکاری‌های بین‌المللی برای واکنش به تغییرات آب و هوایی، توسعه سبز، کم‌کربن و پایدار در سراسر جهان بر عهده گرفته و تلاش می‌کند تا از خاک و بوم مشترک بشریت محافظت کند.»

همانگونه که مفاد این سند نشان می‌دهد توسعه‌گرایی همچنان در کانون استراتژی کلان چین قرار دارد، احیای تمدن چینی و شکل‌دهی به رویای چینی (که عمیقاً اقتصادی است) اولویت نخست محسوب می‌شود. اما با توجه به تحولاتی که اقتصاد چین و اقتصاد جهانی از دوره اصلاحات و سیاست درهای باز تا سال‌های اخیر تجربه کرده است، پیگیری استراتژی‌های جدید توسعه‌ای و انجام برخی اصلاحات ساختاری در اقتصاد چین ضرورت یافته است. رشد پرشتاب اقتصاد چین در دهه‌های اخیر چالش‌های مهمی نیز برای این کشور پدید آورده است. این چالش‌ها را به چند دسته متعاقب می‌توان تقسیم کرد.

۱- دام درآمد متوسط

چالش نخست، دام درآمد متوسط است. از دوره اصلاحات و سیاست درهای باز، چین به سرعت بدل به کارخانه جهان و کانون تولید جهانی کالاهایی با فناوری‌های متوسط شد. تداوم موقعیت چین به عنوان کارخانه جهان به معنای سهم پایین این کشور از ارزش افزوده و در نتیجه تداوم موقعیت این کشور به عنوان کشوری با درآمد سرانه متوسط بود. به دیگر سخن افتادن در "دام درآمد متوسط" به نگرانی مهم رهبران چین در سال‌های اخیر بدل شده است.^۱ روند دیگری که نگرانی‌های آنان را تشدید می‌کند، سرعت فزاینده سالخوردگی جمعیت چین است. چین با یک تهدید مهم مواجه است؛ اینکه پیش از پیوستن به باشگاه کشورهای ثروتمند، پیر شود. چین پیر و گرفتار در دام درآمد متوسط برای موقعیت این کشور و آینده حزب کمونیست تهدید به شمار می‌آید.

۲- پیامدهای زیست محیطی توسعه پرشتاب

چالش دوم، پیامدهای زیست محیطی توسعه سریع این کشور است که آن را به یکی از آلوده‌ترین کشورها مبدل کرده است. محیط زیست چین در پیگیری رشد سریع اقتصادی آسیب‌های فراوان دیده است.

1- <https://asiasociety.org/new-york/china-may-be-running-out-time-escape-middle-income-trap>

افزون براین، چین بدل به بزرگترین آلاینده جو کره زمین شده است. چین بزرگترین تولید کننده دی اکسید کربن (CO₂) در سال ۲۰۲۱ بود که تقریباً ۳۱ درصد از انتشار جهانی را به خود اختصاص داد.^۱ انتشار گازهای گلخانه ای توسط چین عمدتاً از سوزاندن زغال سنگ در چین، از جمله نیروگاه های زغال سنگ، استخراج زغال سنگ، و کوره های بلند تولید آهن و فولاد ناشی می شود.^۲ با وجود تمرکز چین بر توسعه انرژی های تجدیدپذیر، هنوز زغال سنگ سهمی ۵۵ درصدی در سبد انرژی این کشور دارد. این رقم به خوبی گویای آلاینده‌گی مدل توسعه سنتی چین و نیز آثار آن بر انتشار دی اکسید کربن در جو زمین است. ^۳ امروزه، ۱۳۰۰ نیروگاه زغال سنگی در چین فعالیت دارند که در مجموع ۱,۷۶۰,۰۰۰ مگاوات برق تولید می کنند و سهمی ۸۵ درصدی در تولید برق این کشور دارند.^۴

چین در شرایطی بدل به مهمترین آلاینده جو کره زمین شد که تغییرات اقلیمی به نیرویی تعیین کننده و ویرانگر علیه زمین بدل شده است. از یک سو، چین متهم اصلی تغییرات اقلیمی است و از دیگر سو سرعت یافتن آن تاثیرات فزاینده ای بر اقلیم این کشور و منافع جهانی آن می گذارد. چین در سال های اخیر به طور فزاینده ای در معرض سیل های ساحلی، طوفان های مکرر، فرسایش ساحلی و نفوذ آب شور به منابع آب شیرین قرار گرفته است. برآوردهای بانک جهانی نشان می دهد تداوم این وضعیت می تواند منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی چین بین ۰,۵ تا ۲,۳ درصد در اوایل سال ۲۰۳۰ شود.^۵

۳- نیاز فزاینده به منابع و مواد خام

چالش سوم، نیاز فزاینده به منابع در پیگیری رشد اقتصادی بالا و پایدار این کشور بود. ارزش منابع طبیعی چین ۲۳ تریلیون دلار تخمین زده می شود. زغال سنگ و فلزات نادر ۹۰ درصد منابع معدنی چین را تشکیل می دهند.^۶ سهم چین از ذخایر معدنی جهان از کشورهای همچون ایران و عربستان کمتر است، در حالی که این کشور حدود ۲۰ درصد جمعیت جهان را دارد. از همین رو این کشور به سوی وابستگی فزاینده به منابع و مواد خام کشورهای دیگر سوق یافته است. بر مبنای برخی پیش بینی ها، مصرف نفت چین از ۲۲۱۴,۹ میلیون تن سالانه در سال ۲۰۲۰ به ۳۱۰۳,۶ میلیون تن سالانه در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت که رشدی ۴۰ درصدی را نشان می دهد. چین تا سال ۲۰۳۰ سهم ۲۹ درصدی از ظرفیت پتروشیمی جهان را به خود اختصاص خواهد داد.^۷

1- <https://www.statista.com/statistics/271748/the-largest-emitters-of-co2-in-the-world/#:~:text=China%20was%20the%20biggest%20emitter,global%20CO%E2%82%82%20emissions%20in%202021>.

2- <https://www.washingtonpost.com/climate-environment/2022/11/23/china-climate-finance-cop27/>

3- <https://www.reuters.com/world/china/china-cut-coal-use-share-below-56-2021-2021-04-22/>

4- <https://www.npr.org/2021/06/14/1000464866/china-has-promised-to-go-carbon-neutral-by-2060-but-coal-is-still-king>

5- <https://www.worldbank.org/en/news/press-release/2022/10/12/china-s-transition-to-a-low-carbon-economy-and-climate-resilience-needs-shifts-in-resources-and-technologies#:~:text=China%20already%20experiences%20frequent%20coastal,2030%2C%20according%20to%20the%20report>.

۶- چین ۹۶ درصد فلزات خاکی کمیاب جهان، ۸۷ درصد تنگستن، ۸۶ درصد آنتیموان، ۷۵ درصد منیزیم، نیمی از فلورسپات، یک سوم قلع و سرب، یک چهارم آلومینیوم و روی و یک پنجم مولیبدن خود را تولید می کند.

<https://mepc.org/speeches/china-and-global-resource-balance#:~:text=It%20produces%2096%20percent%20of,one%20Dfifth%20of%20its%20molybdenum>.

7- <https://www.energyvoice.com/oilandgas/376011/chinas-oil-demand-to-peak-by-2030-says-cnpc/#:~:text=It%20is%20set%20to%20potentially,a%20data%20and%20analytics%20company>.

۴- تغییر محیط بین المللی

چالش چهارم، تغییر محیط بین المللی است. هر کشوری برای پیشبرد توسعه نیازمند محیط بین المللی موافق است. به دیگر سخن، محیط بین المللی موافق (به معنای موافقت یا عدم مخالفت و مقابله کانون های ثروت و قدرت جهانی با توسعه یک کشور) را می توان شرط لازم پیشبرد توسعه دانست. از همین روست که هیچ کشوری در دوره پساجنگ سرد نتوانسته در محیط بین المللی ناموافق به توسعه دست یابد. دشواری فزاینده پیشبرد توسعه اقتصادی ایران در بطن محیط بین المللی ناموافق تازه ترین شاهد این مدعا است.

تا سال های اخیر کانون های قدرت و ثروت همواره از ظهور چین مرفه به عنوان سهامدار مسئول^۱ در اقتصاد جهانی استقبال می کردند. از دیگر سو چین همواره از "فرصت تاریخی" سخن می گفت، فرصتی که بواسطه محیط بین المللی مساعد پدید آمده بود و این کشور باید از آن حداکثر بهره را می برد. اما از دوره روی کار آمدن شی جین پینگ ورق به تدریج برگشته است. نظریه "چین به مثابه تهدید"^۲ به تدریج در حال جایگزینی نظریه "چین به مثابه فرصت" است و الگوی حاکم بر روابط این کشور با ایالات متحده از "همکاری و رقابت راهبردی" به سوی "تعارض، رقابت و همکاری" تغییر یافته است. در تازه ترین سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، به صراحت از چین به عنوان مهمترین رقیب نام برده شده است.^۳

۵- آثار سیاست کووید صفر

کووید و نحوه مواجهه چین با آن تبعات منفی گسترده برای اقتصاد این کشور به همراه داشت. چین سخت گیرانه ترین سیاست ها را در مقابله با این همه گیری در پیش گرفت و فعالیت های اقتصادی را با اختلالات گسترده و دوام داری مواجه کرد. آثار این سیاست به تدریج در اقتصاد چین ظاهر شد و اکنون این کشور می کوشد در فضای پسا کووید آسیب ها را به تدریج جبران نماید. گشودگی به روی اقتصاد جهانی یکی از مهمترین راهبردها در این مسیر است.

1- <https://carnegieendowment.org/2007/06/11/china-as-responsible-stakeholder-event-998>

2- <http://www.china.org.cn/e-white/20021209/index.htm>

3- <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/10/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf>

4- <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/10/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf>



بخش دوم: بازنندیشی سیاست‌های توسعه‌ای

چالش‌های مزبور، دولت چین را بر آن داشت تا در سیاست‌های توسعه‌ای خود تغییرات مهمی به شرح متعاقب بدهد.

۱- گذر از کارخانه جهان به کانون فناوری و نوآوری

همانگونه که اشاره شد، دام درآمد متوسط یکی از تهدیدات کلیدی پیش روی چین محسوب می‌شود. این نگرانی در میان نخبگان وجود دارد که این کشور پیش از آنکه ثروتمند گردد، پیر شود و به عنوان یک کشور با درآمد متوسط و جمعیت سالخورده دچار چالش‌های جدی گردد. برای گذار از این وضعیت، تغییر در موقعیت سنتی این کشور به عنوان کارخانه جهان و تبدیل شدن به کانون فناوری‌های پیشرفته و نوآوری جهان به یکی از اولویت‌های کلیدی و تغییرات مهم در سیاست‌های توسعه‌ای بدل شده است. حاصل این تغییر در نخستین استراتژی مدون توسعه صنعتی چین موسوم به ساخت چین ۲۰۲۵ متجلی شده است.^۱

چین از ابتدای دوره اصلاحات و سیاست درهای باز سیاست صنعتی مدونی نداشته بلکه عمدتاً کوشیده به عنوان میزبان شرکت‌های بین‌المللی جهت تولید طیف بسیار وسیعی از کالاهای با فناوری متوسط عمل کند. به دیگر سخن، از ابتدای دوره اصلاحات و سیاست درهای باز چین، سیاست تجاری باز و گشوده به روی جهان در کانون توجه سیاستگذاران اقتصادی این کشور بوده است. از همین روست که الحاق به سازمان تجارت جهانی را بسیاری مهمترین اقدام چین در تعامل با اقتصاد جهانی در دوران پساجنگ سرد می‌دانند. حاصل سیاست تجاری منسجم و گشوده چین در دهه‌های اخیر تبدیل شدن این کشور به کارخانه جهان بود. با وجود اینکه تبدیل شدن به کارخانه جهان منافع بسیاری برای این کشور در برداشت و در رشد اقتصادی مداوم و تثبیت جایگاه چین در زنجیره‌های جهانی ارزش نقش کلیدی ایفا کرد، اما موقعیت آن در اقتصاد جهانی به عنوان کشور تولیدکننده کالاهای با فناوری پایین و متوسط را نیز تثبیت کرد. تداوم این وضعیت و ارزش افزوده متوسط حاصل از آن می‌تواند چین را در دام درآمد متوسط بیفکند. دامی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دوره بعد از جنگ جهانی دوم در آن قرار گرفتند. از همین رو چین در سند سیاست صنعتی جدید موسوم به ساخت چین ۲۰۲۵ می‌کوشد تا موقعیت خود در زنجیره‌های جهانی ارزش را از کارخانه جهان به کانون فناوری و نوآوری تغییر دهد. دقت در حوزه‌های تمرکز سیاست صنعتی جدید چین به خوبی این اولویت را نشان می‌دهد. در این سند تبدیل بخش تولید صنعتی چین به تولید دانش‌محور و خلاق، تأکید بر کیفیت به جای کمیت، بهینه‌سازی ساختار صنعتی چین، دستیابی به توسعه سبز (پایدار) و ارتقای استعدادها و سرمایه انسانی به عنوان اصول کلان سیاست جدید صنعتی تعریف

1- <https://www.csis.org/analysis/made-china-2025>

شده‌اند. بر مبنای این اصول، اهداف زیر به عنوان اهداف کلیدی توسعه صنعتی این کشور تا سال ۲۰۲۵ در نظر گرفته شده‌اند:

الف) ارتقای کامل و جامع صنعت چین؛

ب) افزایش میزان بهره‌وری این صنعت به گونه‌ای که چین بتواند در حلقه‌های بالاتر زنجیره جهانی تولید قرار گیرد.

ج) افزایش سهم تولیدات داخلی در اجزای اصلی تولیدات صنعتی به میزان ۷۰ درصد تا سال ۲۰۲۵. در این سند ۱۰ صنعت به عنوان صنایع کلیدی انتخاب شده‌اند که تا سال ۲۰۲۵ باید ارتقاء پیدا کنند. این ده صنعت عبارتند از:

۱- فناوری‌های جدید و پیشرفته اطلاعات؛

۲- رباتیک و ماشین‌های اتوماتیک؛

۳- هوافضا و تجهیزات هوانوردی؛

۴- صنایع دریایی و کشتی‌های های‌تک؛

۵- تجهیزات خط آهن مدرن؛

۶- وسایل نقلیه‌ای که از انرژی‌های جدید بهره می‌گیرند؛

۷- تجهیزات تولید نیرو؛

۸- تجهیزات کشاورزی؛

۹- مواد پیشرفته؛

۱۰- بیوفارما و تجهیزات پیشرفته پزشکی.

با وجود اینکه دولت چین کماکان نقش کلیدی و برجسته‌ای را در پیشبرد اهداف بالا بر عهده دارد، با این حال سند برای پیشبرد سیاست صنعتی جدید به ساز و کارها و نهادهای غیردولتی از جمله نهاد بازار، تقویت سازوکارهای حفاظت از مالکیت معنوی برای شرکت‌های کوچک و متوسط، بهره برداری بهتر از مالکیت معنوی در استراتژی کسب و کار، اجازه دادن به شرکت‌ها برای خوداظهاری استانداردهای صنعتی و کمک به آنان برای مشارکت بهتر در وضع استانداردهای بین‌المللی متکی است. مسئله دیگری که در این سند مورد تاکید ویژه قرار گرفته است، افزایش رقابت پذیری شرکت‌های چینی، افزایش نقش آنان در تولید اجزای اصلی محصولات صنعتی و نیز محصول نهایی و ارتقای موقعیت این شرکت‌ها در زنجیره تولید و برند سازی است. همچنین، در این سند تاکید ویژه‌ای بر بین‌المللی کردن شرکت‌های چینی شده است. سیاست صنعتی جدید چین آشکارا اراده این کشور برای گذار از موقعیت کارخانه جهان به کانون فناوری و نوآوری جهان را نشان می‌دهد. این سیاست صنعتی زمینه چالش فزاینده میان چین و قدرت‌های قدیمی صنعتی موسوم به گروه ۷ را فراهم آورده است. قدرت‌های صنعتی گروه ۷ استدلال می‌کنند که چین

با اعطای یارانه های سنگین به صنایع منتخب این سند به گونه ای نامنصفانه با شرکت های آنان وارد رقابت می شود. از منظر این قدرت ها پیشبرد استراتژی جدید توسعه صنعتی چین، تجارت جهانی را به طور فزاینده از وضعیت "آزاد و منصفانه" دور خواهد کرد. یکی از دلایل کلیدی جنگ تجاری میان چین و آمریکا در دوره ترامپ، تشدید محدودیت های علیه شرکت های چینی بویژه شرکت های کلیدی فعال در فناوری های پیشرفته و محدودیت های غیرتعرفه ای فزاینده علیه این شرکت ها از سوی سایر اعضای گروه ۷ باز می گردد. در واقع حرکت چین از موقعیت کارخانه جهان و تولید کننده کالاهای با فناوری پایین و متوسط برای بازار قدرت های صنعتی به رقیب تمام عیار آنان در حلقه های بالای زنجیره های جهانی ارزش زنگ خطر و در نتیجه مقابله تجاری با این کشور را به صدا درآورده است.^۱

۲- توسعه سبز و کم کربن

اشاره شد که آثار مخرب زیست محیطی توسعه پرشتاب چین در داخل و خارج و وابستگی فزاینده این کشور به واردات مواد خام از یک سو و تشدید روند تغییرات آب و هوایی از دیگر سو تهدیدات مهمی پیش روی این کشور قرار داده است. دولت چین در پاسخ به این دسته از تهدیدات، در سالهای اخیر تغییرات مهمی در الگوی توسعه خود ایجاد کرده و کوشیده به سوی اقتصاد سبز و کم کربن حرکت نماید. در این راستا دولت چین در سال ۲۰۱۹ سندی بالادستی منتشر کرد و در قالب آن سیاست های توسعه ای خود در واکنش به تخریب محیط زیست در داخل و تغییرات آب و هوایی در پهنه جهانی را تبیین نمود. در این سند آمده است که «تغییر اقلیم یک چالش برای همه بشریت است و توسعه پایدار ملت چین و آینده کره زمین به مقابله موفق با آن بستگی دارد. چین اهمیت زیادی برای واکنش خود به تغییرات آب و هوایی قائل است. چین به عنوان بزرگترین کشور در حال توسعه، چندین سیاست، کنش و اقدام را برای مقابله با تغییرات اقلیمی و مشارکت در مدیریت جهانی آب و هوا در پیش گرفته است، هرچند این امر مشکلاتی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی آن ایجاد می کند. این تلاش ها به نتایج مثبتی منجر شده است... این کشور رویکردهای سبز و کم کربن را در توسعه اقتصادی و اجتماعی خود در پیش گرفته است و برای ساختن کشوری مدرن که در آن انسانیت و طبیعت با هم همزیستی داشته باشند، تلاش کرده است... چین تلاش می کند تا قبل از ۲۰۳۰ به اوج انتشار CO₂ رسیده و تا قبل از ۲۰۶۰ به سطح کربن خنثی دست پیدا کند. چین به عنوان یک کشور مسئول، متعهد به ایجاد یک سیستم مدیریت آب و هوای جهانی است که منصفانه، منطقی، برانگیزنده همکاری و برای همه سودمند باشد. ... چین بر اساس الزامات توسعه پایدار داخلی خود و مسئولیت لازم برای ساختن یک جامعه جهانی با آینده مشترک، اصول جدیدی را برای مقابله با تغییرات اقلیمی تدوین کرده است... کنش ها به واسطه فلسفه ها هدایت می شوند. چین در این مرحله از توسعه جدید [خود] فلسفه ای را دنبال می کند که بر اساس آن توسعه باید نوآورانه، هماهنگ، سبز، باز و مشترک باشد و سرعت خلق یک توسعه جدید را بالا ببرد. در میان پنج محور فلسفه جدید، توسعه سبز شرط لازم برای پایداری است. این امر نشان دهنده آرزوی مردم برای زندگی بهتر و راهنمایی کلیدی برای اقدامات اقلیمی

چین است. چین معتقد است که آب‌های شفاف و کوه‌های سرسبز دارایی‌های ارزشمندی هستند و حفاظت از محیط زیست و بهبود آن منجر به بهره‌وری بیشتر می‌شود. کاهش تغییرات آب و هوایی بازتاب‌گذار کلی جهان به سمت زندگی سبز و کم‌کربن است. چین مدل توسعه قبلی خود را که به محیط زیست آسیب رسانده یا حتی از بین برده بود، کنار گذاشته است. در عوض، این کشور به دنبال انقلاب تکنولوژیکی و روندهای صنعتی کنونی، از فرصت‌های ایجاد شده توسط گذار سبز استفاده کرده، ساختار اقتصادی و صنعتی و نیز ترکیب انرژی خود را از طریق نوآوری تغییر و ارتقا داده و به شکل سبز توان خود را بازیابی کرده است. یک محیط زیست بهتر، توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی چین را تقویت می‌کند... رسیدن به قله انتشار کربن و به دنبال آن، کربن‌زدایی، یکی از استراتژی‌های اصلی چین است که پس از بررسی دقیق تعریف شده است. این امر برای رفع محدودیت‌های جدی تحمیل شده توسط منابع و محیط زیست بر رشد اقتصادی چین و دستیابی به توسعه پایدار، ضروری است و همچنین تعهدی جدی برای ساختن یک جامعه جهانی از آینده مشترک به شمار می‌رود. چین این تصمیم را در توسعه کلی اقتصادی و اجتماعی خود گنجانده است و رویکردی کل‌نگر در پیش گرفته که بر اساس آن، روابط بین رشد اقتصادی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، بین منافع کلی و منطقه‌ای و بین رشد کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت متعادل می‌شود. چین، متأثر از گذار اقتصادی و اجتماعی سبز، بر توسعه سبز و کم‌کربن بخش انرژی تمرکز کرده و به تسریع شکل‌گیری آن دسته از ساختارهای صنعتی، شیوه‌های تولید، شیوه‌های کار و زندگی و تنظیمات فضایی مبادرت کرده است که به حفظ منابع و حفاظت محیط زیست کمک می‌کنند. این کشور کاملاً متعهد به توسعه با کیفیت است که حفاظت از محیط زیست و شیوه زندگی سبز و کم‌کربن را در اولویت قرار می‌دهد.^۱

در راستای تحقق الگوی توسعه سبز و کم‌کربن، چین در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر انجام داده است. این کشور تا سال ۲۰۲۲ مجموعاً ۵۴۶ میلیارد دلار در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر شامل انرژی خورشیدی و بادی، وسایل نقلیه الکتریکی و باتری‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. این میزان سرمایه‌گذاری تقریباً چهار برابر میزان سرمایه‌گذاری ایالات متحده (به میزان ۱۴۱ میلیارد دلار) بوده است. اتحادیه اروپا به عنوان بلوک ۲۷ کشوری، با سرمایه‌گذاری ۱۸۰ میلیارد دلاری در زمینه انرژی پاک پس از چین در رتبه دوم قرار دارد.^۲ این میزان سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر به خوبی عزم چین برای تغییر در الگوی سنتی توسعه را نشان می‌دهد.

در عمل، میزان تولید برق از منابع تجدیدپذیر در سال ۲۰۲۱ به ۲۰۰۰ تراوات^۳ ساعت رسید. مجموع مصرف برق چین در این سال حدود ۸ هزار تراوات بوده است. پیش‌بینی می‌شود این میزان در سال ۲۰۲۵ به ۲۲۰۰ تراوات افزایش یابد. در سال ۲۰۲۱ چین سهم ۵۰ درصدی در افزایش استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر در تولید برق داشته است.^۴ در حوزه پنل‌های خورشیدی، چین سهم ۸۰ درصدی در کل زنجیره تولید این

1- http://nz.china-embassy.gov.cn/eng/zxgxs/202209/t20220920_10768297.html

2- <https://www.scientificamerican.com/article/china-invests-546-billion-in-clean-energy-far-surpassing-the-u-s/#:~:text=The%20country%20spent%20%24546%20billion,billion%20in%20clean%20energy%20investments.>

۳- هر تراوات معادل یک میلیون مگاوات است.

4- <https://www.spglobal.com/commodityinsights/en/market-insights/latest-news/coal/011923-china-data-2022-power-demand-growth-eases-to-36-in-2022-from-103-a-year-earlier#:~:text=China's%20power%20consumption%20rose%203.6,Energy%20Administration%20data%20released%20Jan.>

پنل‌ها دارد و ۱۰ شرکت بزرگ تولید کننده این پنل‌ها جملگی چینی‌اند. در حوزه انرژی بادی، چین در حال حاضر سهم ۷۰ درصدی در رشد تولید انرژی بادی دارد و از کشورهای مانند ایالات متحده (۱۴ درصد) و برزیل (۷ درصد) با فاصله بسیار جلوتر است. این کشور کانون جهانی تولید تجهیزات انرژی بادی محسوب می‌شود. سهم انرژی بادی در تولید برق این کشور در سال ۲۰۲۱ به ۷,۵ درصد افزایش یافت. در این سال چین ۶۰۰ تراوات برق از انرژی بادی تولید کرد. در همین سال آمریکا ۴۰۰ تراوات تولید کرد. این دو کشور در مجموع نیمی از انرژی بادی جهان را تولید می‌کنند.^۱ در سال‌های اخیر چین به بازیگر مسلط در زنجیره جهانی ارزش در حوزه خودروهای الکتریکی بدل شده است. تنها طی سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، تعداد خودروهای برقی فروخته شده به طور سالانه در این کشور از ۱,۳ میلیون به ۶,۸ میلیون دستگاه افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۲ چین برای هشتمین سال متوالی بزرگترین بازار خودروهای الکتریکی در جهان بود. در مقام مقایسه در سال ۲۰۲۲ در ایالات متحده حدود ۸۰۰ هزار دستگاه خودرو برقی به فروش رفت.^۲ در سال ۲۰۲۱ حدود ۷۷ درصد باتری خودروهای برقی در چین تولید شده است و ۶ شرکت از ده شرکت بزرگ تولید کننده این باتری‌ها چینی‌اند.^۳

به موازات این روند تمرکز شرکت‌های چینی بر سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و احداث پروژه‌های انرژی‌های پاک در قالب «ابتکار کمربند و راه» نیز افزایش یافته است. به فاصله اندکی پس از انتشار سند «ابتکار کمربند و راه»، متممی تحت عنوان راه ابریشم سبز و کم‌کربن به آن افزوده شد و دستورالعملی برای توسعه همکاری‌ها در این حوزه تدوین شد. به علاوه، از آنجا که چین همواره در معرض اتهام بزرگترین آلاینده جهان بوده است و در سال‌های نخست اجرایی شدن «ابتکار کمربند و راه» نقش مهمی در تأمین مالی و احداث نیروگاه‌های ذغال‌سنگی در کشورهای در حال توسعه داشته مورد نقد سایر کشورها (به ویژه غربی) قرار گرفته است. از همین رو جاده ابریشم سبز و کم‌کربن برای آن از اهمیت پرستیژی نیز برخوردار شده است. این کشور از یک‌سو تأمین مالی نیروهای زغال‌سنگی و سرمایه‌گذاری در این حوزه را متوقف کرده و از طرف دیگر توجه بیشتری به سرمایه‌گذاری و تأمین مالی انرژی‌های پاک نشان داده است.

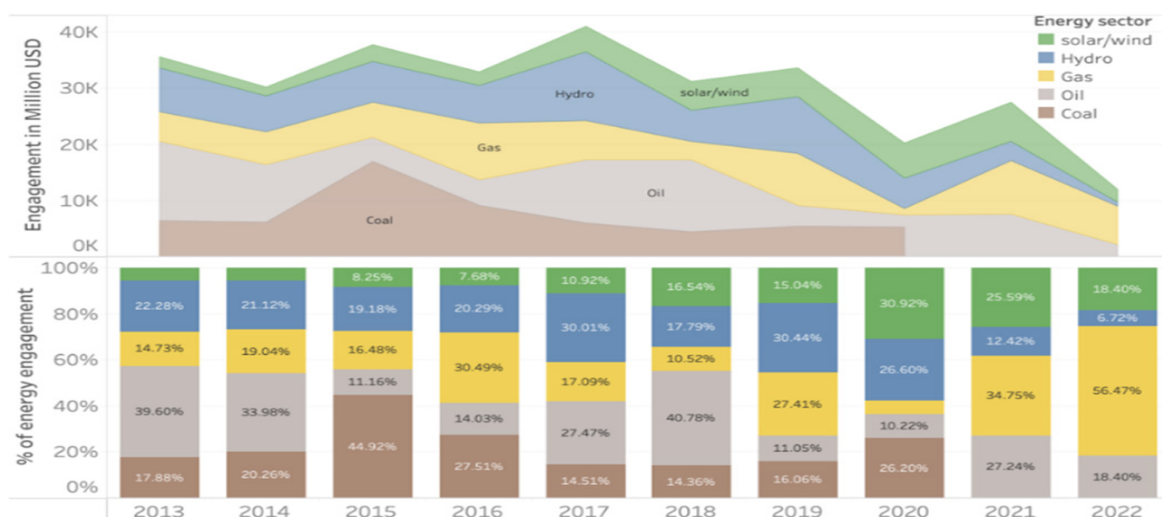
در پایان دهه نخست اجرایی شدن «ابتکار کمربند و راه»، استراتژی کلان چین در حوزه انرژی تغییر کرده و این تغییر در پیشبرد این ابتکار در حوزه انرژی تأثیرات فزاینده‌ای به سود سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک گذاشته است. همانگونه که نمودار ذیل نشان می‌دهد در یک دهه‌ای که از اجرایی شدن «ابتکار کمربند و راه» می‌گذرد تمرکز چین به سوی سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌های تولید انرژی از منابع تجدیدپذیر سوق یافته است. سوق یافتن تدریجی استراتژی چین به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر عمدتاً ریشه در تغییر راهبرد کلان این کشور در حوزه انرژی دارد.

1-<https://energydigital.com/renewable-energy/china-leads-global-increase-in-wind-power-generation-patents#:~:text=China%20currently%20has%20a%2070,for%20offshore%20wind%20energy%20deployment>.

2-<https://www.technologyreview.com/2023/02/21/1068880/how-did-china-dominate-electric-cars-policy/#:~:text=And%20the%20momentum%20hasn't,about%20800%2C000%20EVs%20in%202022>.

3- <https://www.visualcapitalist.com/chinas-dominance-in-battery-manufacturing/>

نمودار ۱- روند تحول در سرمایه‌گذاری‌های چین در حوزه انرژی در دهه نخست اجرایی شدن ابتکار کمربند و راه



۳- چرخه دوگانه

اشاره شد که محیط بین‌المللی موافق توسعه چین یا آنچه رهبران این کشور از آن به عنوان فرصت تاریخی یاد می‌کردند به سرعت در حال تغییر است. رویکرد استقبال از چین به مثابه فرصت برای اقتصاد جهانی و موتور رشد آن به تدریج با رویکرد "چین به مثابه تهدید" در حال جایگزین شدن است. از همین رو تطبیق با محیط جدید بین‌المللی که به طور فزاینده‌ای پیچیده و ناموافق می‌شود در سال‌های اخیر ذهن رهبران و اندیشمندان چینی را به خود مشغول کرده و به مناظراتی در چین دامن زده است. حاصل این مناظرات در جهت‌گیری جدیدی تحت عنوان چرخه دوگانه مفهوم بندی و تبیین شده است. در برداشت کلان، چرخه دوگانه ترسیم مدلی جدید از رابطه بازار داخلی و بازار بین‌المللی است. در این مدل بازار داخلی و ارتباط چین با اقتصاد بین‌المللی یکدیگر را تقویت می‌کنند، اما نقش کلیدی یا به بیان دقیق‌تر نقش پیشران در اقتصاد چین را بازار داخلی ایفا می‌کند.^۱ ذکر این نکته ضروری است که چرخه دوگانه نوعی خودکفایی به معنای سنتی کلمه یا استراتژی سنتی جایگزینی واردات نیست بلکه بر اصلاح روابط اقتصادی داخلی و خارجی تاکید دارد.^۲ به عبارت دیگر در قالب چرخه دوگانه پیشران توسعه اقتصادی چین از صادرات محوری و سرمایه‌گذاری به مصرف داخلی تغییر می‌کند. مزیت رقابتی سنتی اقتصاد چین که تا کنون نیروی کار ارزان بوده است به نوعی با بازار مصرف بزرگ به عنوان مزیت رقابتی جدید این کشور در اقتصاد جهانی جایگزین می‌گردد.^۳

در سال‌های اخیر خط مشی چرخه دوگانه به تدریج در قالب برنامه‌های مختلف دولت چین، بویژه برنامه

1- <https://www.scmp.com/economy/china-economy/article/3110184/what-chinas-dual-circulation-economic-strategy-and-why-it>

2- http://www.xinhuanet.com/english/2021-03/28/c_139842062.htm

3- http://www.xinhuanet.com/english/2020-09/05/c_139345700.htm

چهاردهم توسعه این کشور عملیاتی شده است.^۱ در این راستا کمیسیون توسعه و اصلاحات چین حوزه‌های اولویت دار برای کسب حمایت دولتی در سالهای پیش رو (در قالب این برنامه) را شامل نسل آینده فناوری اطلاعات، بیوتکنولوژی، تولیدات صنعتی بسیار پیشرفته، مواد جدید، انرژی های جدید، خودروهای الکتریکی، فناوری های سازگار با محیط زیست و خلاقیت دیجیتال برشمرده است. در واقع اولویت های کمیسیون توسعه و اصلاحات چین تا حدود زیادی همان اولویت های سیاست صنعتی نوین این کشور است که در صفحات قبل مورد بحث قرار گرفت. افزون بر این، وزارت بازرگانی چین به عنوان مهمترین نهاد در تدوین سیاست جاری چین، در برنامه ۵ ساله خود چرخه دوگانه را در کانون قرار داده و در این قالب حمایت از مصرف داخلی و متنوع سازی تجارت خارجی را به عنوان اولویت ها مطرح کرده است. همچنین، وزارت بازرگانی با همکاری وزارت صنعت و فناوری اطلاعات به چند نهاد دیگر در چین برنامه عملیاتی برای حمایت از بین‌المللی شدن اقتصاد دیجیتال چین با ایجاد مراکز تحقیق و توسعه در کشورهای دیگر و در سطح بین‌المللی ارائه کرده اند. حمایت از تقاضای داخلی از یک سو و تقویت تولید از طریق جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای بهبود ظرفیت فناوری چین هر دو در راستای چرخه دوگانه قرار دارد.^۲

اقدامات اجرایی دولت چین برای تحقق اهداف این استراتژی کلان تا میان مدت تداوم خواهد یافت. در این مسیر نیل به دو هدف اهمیت اساسی خواهد داشت. هدف نخست، کاهش وابستگی در حوزه کالاهای راهبردی است. در این قالب دولت چین توسعه انرژی های تجدید پذیر، سرمایه گذاری های عظیم در حوزه فلزات کمیاب در داخل و خارج و گسترش شبکه لجستیک جدید در قالب «ابتکار کمربند و راه» را برای واردات انرژی و سایر کالاهای راهبردی تداوم خواهد بخشید. افزون بر این، اعطای یارانه های بسیار سنگین به بخش انرژی تداوم خواهد داشت تا این بخش به پاشنه آشیل اقتصاد چین بدل نشود و مزیت رقابتی این کشور در اقتصاد جهانی حفظ شود. بخش انرژی بیشترین میزان یارانه را در چین دریافت می کند. دو شرکت پتروچاینا و سینوپک بالاترین میزان یارانه های دولتی این کشور را در سال های اخیر دریافت کرده اند.^۳

هدف دوم، نیل به موقعیت خودکفایی فناورانه به ویژه در حوزه های بسیار پیشرفته خواهد بود. در این قالب سرمایه گذاری سنگین چین در حوزه های تحقیق و توسعه همچنان تداوم خواهد یافت. سرمایه گذاری چین در حوزه خودکفایی فن آوران به طور فزاینده ای بر نیمه هادی ها یا نیمه رسانا ها متمرکز می شود. نیمه رسانا ها قلب بسیاری از صنایع و مهمترین معضل چین در توسعه توان فناورانه این کشور محسوب می شوند. در سال های اخیر ایالات متحده به طور فزاینده دسترسی شرکت های چینی به بازار نیمه رساناهای آمریکا و متحدین این کشور را محدود کرده است. سال ۲۰۱۴ دولت چین ۱۴۰ میلیارد یوان در فاز

1- [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2020/659407/EPRS_BRI\(2020\)659407_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2020/659407/EPRS_BRI(2020)659407_EN.pdf)

2- <https://www.chinadaily.com.cn/a/202301/30/WS63d718baa31057c47ebabbda.html>

3- <https://www.bloomberg.com/news/articles/2022-03-14/china-sets-63-billion-to-pay-subsidies-owed-to-renewables-firms#:~:text=China%20will%20use%20most%20or,people%20familiar%20with%20the%20matter.>

اول برای توسعه صنعت نیمه رسانه‌ها اختصاص داد. فاز نخست حمایتی در سال ۲۰۱۹ به پایان رسید. در سال ۲۰۱۹ و در آغاز فاز دوم حمایت از صنعت نیمه رسانه‌ها، دولت چین ۲۰۴ میلیارد یوان را برای حمایت از این صنایع اختصاص داده است.^۱

بخش سوم: تغییرات در سیاست‌های توسعه‌ای و دیپلماسی اقتصادی چین

اشاره شد که چین یکی از جذاب‌ترین داستان‌های توسعه در دهه‌های اخیر را روایت کرده است، کشوری که در مدت بسیار کوتاهی از کشوری فقیر به دومین اقتصاد بزرگ جهان بدل شده است. در شرایط کنونی چین بیش از هر زمانی در تاریخ بلند خود جهانی شده است؛ بدان معنا که منافع و آسیب‌پذیری‌های این کشور جهانی شده‌اند. از یک سو، چین اقتصاد دوم جهان، اولین صادرکننده و دومین واردکننده بزرگ جهان و شریک اول تجاری بیش از ۱۰۰ کشور جهان محسوب می‌شود. از دیگر سو، این کشور به شدت وابسته به واردات مواد خام و سایر کالاها است و به ثبات و امنیت مسیرهای نقل و انتقال کالا و سایر زیرساخت‌های موجود اقتصاد جهانی وابستگی دارد. رشد خیره‌کننده چین در متن ساختار موجود اقتصاد جهانی و عمدتاً در دوره بعد از جنگ سرد شکل گرفته است. این دستاوردها در شرایطی حاصل شده که چین فاقد نیروی نظامی جهان‌روا برای حفاظت از منافع خود است.

بنابراین در تبیین دیپلماسی اقتصادی چین سخن از کشوری است که منافع و آسیب‌پذیری‌های آن جهانی شده، رشد خود را در چارچوب قواعد موجود اقتصاد جهانی به پیش برده و به ویژه مهم‌ترین برنده فرایند جهانی شدن در سه دهه اخیر بوده است. تنیدگی منافع و آسیب‌پذیری‌های چین در ساختارهای موجود اقتصاد سیاسی بین‌الملل فضای مانور این کشور را محدود می‌کند. به دیگر سخن، چین برخلاف شوروی نمی‌تواند به صورت آشکار ساختار موجود جامعه جهانی و به ویژه اقتصاد سیاسی بین‌الملل را به چالش بکشد. زیرا از یک سو بخش مهمی از منافع خود را از دست می‌دهد از دیگر سو برخلاف شوروی که روابط چندانی با هسته اقتصاد جهانی نداشت، چین در هسته اقتصاد جهانی تنیده شده است. از همین‌رو ظهور شوروی جدیدی که اقتصاد سیاسی بین‌الملل را به سرعت اردوگاهی کند تا آینده قابل پیش‌بینی بعید به نظر می‌رسد. با وجود این، چنانکه اشاره شد، متاثر از تغییر در سیاست‌های توسعه‌ای، تغییر در محیط بین‌المللی و تغییر موقعیت چین به دومین اقتصاد بزرگ جهان، اولویت‌های داخلی و خارجی این کشور تغییر کرده و متناسب با این تغییرات دیپلماسی اقتصادی چین نیز دستور کار جدیدی یافته است.

در یک دهه اخیر مهم‌ترین تغییر در دیپلماسی اقتصادی چین گذار این کشور از "بازیگر قاعده‌پذیر به بازیگر قاعده‌نویس" است. از دوره اصلاحات و سیاست‌درهای باز تا روی کار آمدن شی جین‌پینگ چین همواره کشوری قاعده‌پذیر محسوب می‌شد و به هنجارهای مسلط به ویژه در اقتصاد سیاسی بین‌الملل

1- <https://www.proquest.com/openview/9ce36a5705a0820523967c18479dd10d/1?pq-origsite=gscholar&cbl=5201791>

گردن می‌نهاد. اما در یک دهه اخیر به تدریج چین از قاعده‌پذیری به سوی قاعده‌گذاری حرکت کرده است. علیرغم این تغییر، هنوز حفظ هسته اقتصاد جهانی برای چین واجد اهمیت راهبردی است. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت آن که قاعده‌گذاری با چالش‌گری متفاوت است. روند قاعده‌گذاری چین در جاهایی به اصطکاک و تعارض با نظم بین‌الملل لیبرال، منافع ایالات متحده و سایر کشورها در اقتصاد سیاسی بین‌الملل منجر می‌شود، اما این اصطکاک و تعارض به معنای تجدید نظر طلبی و چالش‌گری به سبک شوروی نیست بلکه عمدتاً روند قاعده‌گذاری چین در رقابت با برخی نهادها و قواعد موجود اقتصاد سیاسی بین‌الملل صورت گرفته است.

نخستین نماد گذار چین از قاعده‌پذیری به قاعده‌نویسی شکل دهی به سازمان همکاری شانگهای است. این سازمان در دهه ۱۹۹۰ به عنوان باشگاه شانگهای و در ۲۰۰۱ به عنوان سازمان تاسیس شد. کنشگری این سازمان در بیش از دو دهه گذشته بسیار محتاطانه بوده است. این نهاد تقریباً هیچ نوع موضع‌گیری ژئوپلیتیک-بلوکی نداشته و همواره در برابر درخواست‌های روسیه برای حمایت از توسعه طلبی‌های این کشور و تایید تجاوزهای آن به کشورهای ضعیف مقاومت کرده است. افزون بر این، در گسترش دامنه سازمان و جذب اعضای جدید نیز بسیار تدریجی عمل کرده است. در حوزه اقتصادی نیز تعاملات میان اعضا در قالب قواعد موجود اقتصاد و تجارت جهانی صورت گرفته است. در واقع، سازمان همکاری شانگهای نه ناتوی شرق است و نه در راستای دلارزدایی از اقتصاد جهانی کنش موثری صورت داده است. بی‌تردید چین مهمترین عضو این سازمان است و رفتار محتاطانه آن تا حد زیادی ریشه در سیاست خارجی محتاطانه چین دارد.

دومین نماد قاعده‌نویسی دیپلماسی اقتصادی چین، ارائه گسترده وام به کشورهای در حال توسعه است. در یک دهه اخیر چین به بزرگترین تامین‌کننده مالی طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است و یک نظام وام‌دهی خاص خود را ایجاد کرده است.^۱ قواعد نظام وام‌دهی چین با قواعد "باشگاه پاریس" تفاوت‌های مهمی دارد اما نکته کلیدی آن است که در تعارض با قواعد باشگاه پاریس قرار ندارد. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ چین ۱۴۳ میلیارد دلار تنها به کشورهای آفریقایی وام داده است. نرخ بهره وام‌های اعطایی چین به طور متوسط ۴ درصد است که این وام‌ها را به شرایط وام‌های تجاری نزدیک می‌کند. به دیگر سخن، رفتار وام‌دهی چین عمدتاً منطبق اقتصادی و نه سیاسی داشته است و سود محرکه اصلی آن بوده است. با وجود نرخ بهره بالا کشورهای در حال توسعه بویژه در آفریقا از وام‌های چینی استقبال کرده‌اند عمدتاً بدان دلیل که چین به شرایط حقوق بشری این کشورها توجهی ندارد و آن را پیش شرطی برای ارائه وام نمی‌داند. افزون بر این، امتیازاتی را برای وام‌گیرنده قائل شده است.^۳

1- <https://asia.nikkei.com/Politics/International-relations/China-biggest-borrower-lender-among-middle-income-nations>

2- <https://www.brookings.edu/blog/africa-in-focus/2020/04/20/china-and-africas-debt-yes-to-relief-no-to-blanket-forgiveness/>

3- <https://blog.politics.ox.ac.uk/chinas-role-in-restructuring-debt-in-africa/#:~:text=China%20has%20become%20Africa's%20>

بررسی الگوی وام دهی چین می‌توان دریافت که این الگوی نوپدید در رقابت با الگوهای سنتی قرار دارد، اما در تعارض با سازوکارهای سنتی نیست. مهمتر آنکه نظام وام دهی چین عمدتاً بر مبنای سود اقتصادی و نه اهداف ژئوپلیتیک شکل گرفته است. توجه به چند نمونه این وضعیت را روشن تر می‌کند. در دوره جنگ سرد شوروی به تامین کننده مالی طیفی از کشورهایی که با آمریکا مقابله می‌کردند اهمیت استراتژیک در نبردهای دو قطب داشتند تبدیل شده بود. کوبا نماد این گونه کشورها بود که وابستگی مالی شدیدی به شوروی داشت. اما در سال‌های اخیر ونزوئلا در حیط خلوت ایالات متحده دچار بحران اقتصادی و مالی بسیار شدیدی شد. چین در واکنش به این بحران اساساً رفتار شوروی را در پیش نگرفت در حالی که این امکان برای بیجینگ فراهم بود. رفتار سخت گیرانه مالی چین در قبال کشورهایی چون کوبا، کره شمالی و ایران نمونه‌های دیگری است که منطق اقتصادی و رقابتی نظام نوپدیدی وام دهی چین را نشان می‌دهد. چین می‌توانست با ارائه وام‌های ژئوپلیتیک به این کشورها، مانند شوروی از روابط مستحکمی با آنان برخوردار شود. اما تنیدگی چین در نظام مالی جهانی عملاً چنین امکانی به این کشور نمی‌دهد.

سومین نماد قاعده نویسی چین در اقتصاد سیاسی بین الملل، «ابتکار کمربند و راه» است که در سال ۲۰۱۳ از سوی رئیس‌جمهور چین ارائه شد و در یک دهه اخیر در پهنه وسیعی از کشورهای عمدتاً در حال توسعه در قالب پروژه‌های بسیار متعدد و متفاوتی اجرایی شده است. با دقت در روند اجرایی شدن این مگا پروژه می‌توان چند ویژگی کلیدی متعاقب برای آن برشمرد، ویژگی‌هایی که جملگی با استراتژی کلان دولت توسعه گرای چین تناسب دارند.

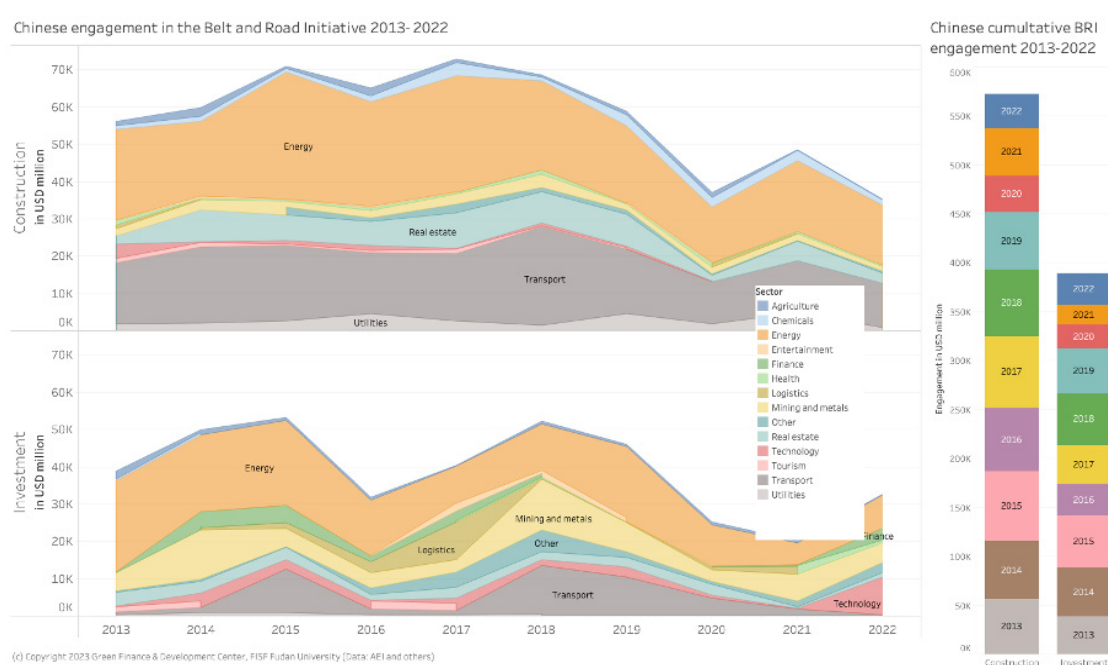
نخست آنکه، برخلاف گمانه زنی‌های اولیه، در روند اجرایی شدن این مگا پروژه اهداف ژئوپلیتیک چندان اولویت نیافته است. به عبارت دیگر، چین در پیشبرد این ابتکار به منطق ژئواکونومیک و نه ژئوپلیتیک اولویت داده است. عمده سرمایه گذاری‌های صورت گرفته در این ابتکار از سوی شرکت‌ها و نه دولت چین صورت گرفته و منطق اقتصادی داشته است. در یک دهه اخیر شرکت‌های چینی عمده سرمایه گذاری‌ها در قالب این طرح را در کشورهای صورت دادند که از مناسبات نزدیکی ایالات متحده نیز برخوردار بودند، در حالی که کشورهای مانند ایران، کره شمالی، ونزوئلا و کوبا چندان مورد توجه این ابتکار قرار نگرفتند.^۱ در واقع، ابتکار کمربند و راه برخلاف برخی تصورات برای تقابل آشکار با ایالات متحده و شکل دهی به بازی ژئوپلیتیک جدیدی طراحی نشده است، بلکه عمدتاً در راستای پیشبرد اهداف دولت توسعه گرای چین و هماهنگی با استراتژی توسعه صنعتی این کشور و چرخه دوگانه اجرایی شده است.

دوم آنکه، چین در اجرایی نمودن این طرح در پی شکل دهی به یک زنجیره ارزش چین محور از یک سو

biggest, drawn%20significant%20attention%20and%20criticism.
1- <https://www.aei.org/china-global-investment-tracker/>

و متنوع سازی حداکثری منابع وارداتی خود از دیگر سوست. همانگونه که نمودارهای ذیل نشان می دهد در یک دهه ای که از اجرایی شدن این ابتکار می گذرد بخش عمده سرمایه گذاری و ساخت و ساز شرکت های چینی در حوزه های انرژی و زیرساخت های حمل و نقلی بوده است تا از یک سو با حداکثر سازی تنوع در منابع انرژی وارداتی وابستگی به یک بازار خاص را کاهش دهند و از دیگر سو با توسعه شبکه های حمل و نقلی در پهنه جهان در حال توسعه زمینه را برای تسهیل تجارت فراهم آورند.^۱

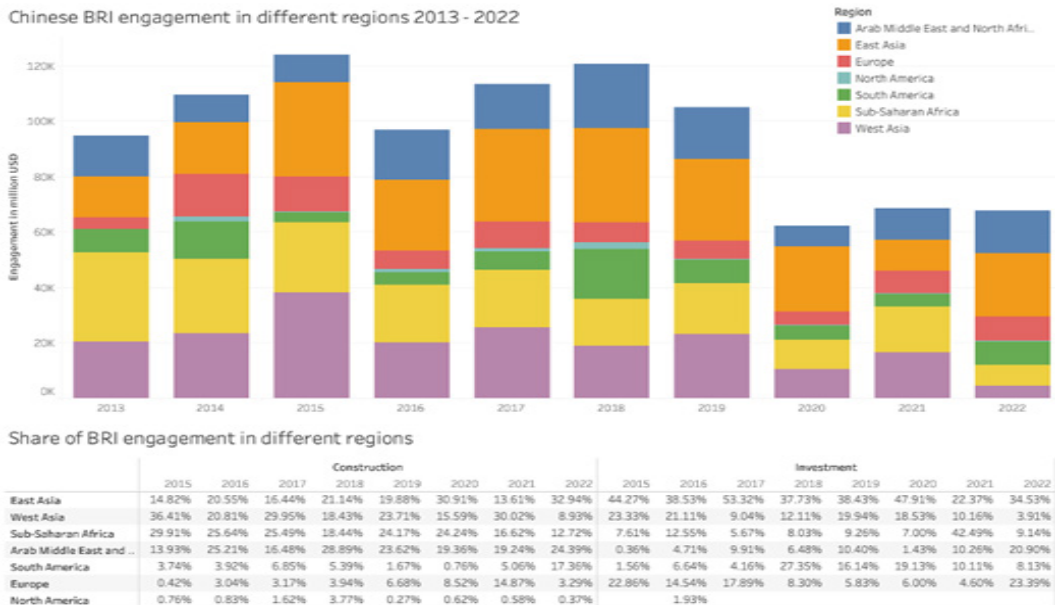
نمودار ۲- توزیع سرمایه گذاری و ساخت و ساز شرکت های چینی در بخش های مختلف در قالب ابتکار کمربند و راه ۲۰۲۲-۲۰۱۳



نمودار ذیل نیز نشان می دهد که سرمایه گذاری های همکاری های اقتصادی شرکت های چینی در قالب این طرح در تقریباً تمامی مناطق صورت گرفته و محدود به یک منطقه یا بخشی از کشورها نبوده است.

1-<https://greenfdc.org/china-belt-and-road-initiative-bri-investment-report-2022/#:~:text=China's%20engagement%20in%20oil%2Drelated,3%20billion%20in%202021>

نمودار ۳- توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی چین در مناطق مختلف در قالب ابتکار کمربند و راه ۲۰۲۲-۲۰۱۳



سوم آنکه، این مگاپروژه در رقابت ژئواکونومیک و نه چالشگری ژئوپلیتیک با گروه ۷ بر سر کسب بازارها قرار می‌گیرد. از همین روست که این کشورها از ابتدا نسبت به این طرح واکنش منفی نشان داده‌اند و کوشیده‌اند تا طرح‌هایی برای رقابت با آن ارائه کنند، اما آن را به عنوان یک تهدید امنیتی تلقی کرده و حتی کشورهایی مانند ایتالیا و ژاپن برای مشارکت مشروط در آن ابراز علاقه کرده‌اند.^۲

چهارم آنکه، در دهه نخست اجرایی شدن این طرح چین کوشیده است تا با سرمایه‌گذاری در صنایع آلاینده بویژه در حوزه نفت و گاز کشورهای در حال توسعه، تولید این محصولات را در این کشورها صورت دهد و محصول را وارد بازار چین نماید و با این تدبیر آثار زیست محیطی آن را از خود دور نماید. مهمتر آنکه با تمرکز بر این حوزه‌ها منابع نفت وارداتی خود را به صورت حداکثری متنوع سازی کرده است.

پنجم آنکه، در قالب این ابتکار چین بر حضور فزاینده در حوزه فناوریهای پیشرفته در کشورهای در حال توسعه متمرکز شده و بویژه کوشیده در قالب جاده ابریشم دیجیتال، به بازیگر مسلط در بخش فناوری اطلاعات این کشورها بدل شود. این موضع با توجه به محدودیت‌های فزاینده علیه فعالیت شرکت‌های چینی حوزه فناوری اطلاعات در بازارهای گروه ۷، برای چین از اولویت بیشتری برخوردار شده است. از سال ۲۰۱۵ که جاده ابریشم دیجیتال از سوی چین مطرح شده است، این کشور حدود ۷۹ میلیارد دلار در این حوزه در کشورهای مختلف عضو ابتکار سرمایه‌گذاری کرده است.^۳ سرمایه‌گذاری فزاینده چین در

1- <https://foreignpolicy.com/2023/01/10/europe-china-eu-global-gateway-bri-economic-development/>

2- <https://jamestown.org/program/italy-joins-the-belt-and-road-initiative-context-interests-and-drivers/>

3- <https://www.cnn.com/2023/03/29/us-china-tech-rivalry-will-put-chinese-firms-under-scrutiny.html>

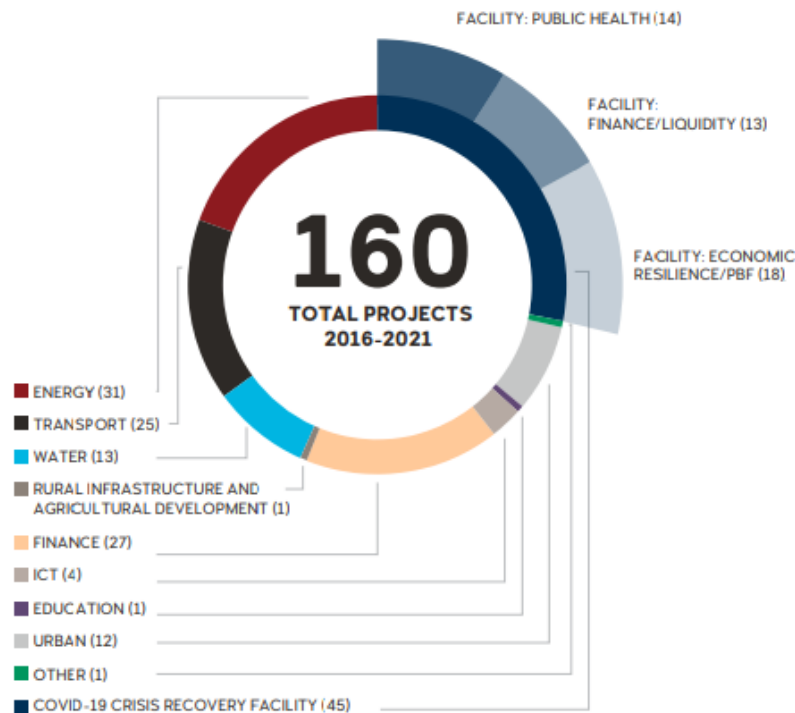
4- <https://www.cfr.org/china-digital-silk-road/>

این حوزه (در داخل و خارج) از یک سو در راستای استراتژی جدید توسعه صنعتی این کشور قرار دارد که هدف آن تبدیل کردن چین به اقتصادی دانش بنیان و کانون فناوری و نوآوری جهان است و از دیگر سو در چارچوب مدیریت محیط بین المللی پیچیده جدید و رقابت با ایالات متحده در انقلاب چهارم صنعتی قرار می گیرد.^۱

ششم آنکه، چین با تاسیس بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیایی به عنوان نهادی که عمدتاً در راستای تامین مالی پروژه های ابتکار ابریشم عمل می کند نشان داده است که می خواهد و می تواند ساختارهای جدید مالی ایجاد نماید. این بانک طی سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ ۱۶۰ پروژه را در کشورهای مختلف و در حوزه های متفاوت تامین مالی کرده است.

نمودار ۴- پروژه هایی که از سوی بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیایی طی سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ تامین مالی شده اند.^۲

PROJECTS BY SECTOR (2016-2021)



تامین مالی این میزان پروژه نمادی از موفقیت این بانک و موفقیت چین محسوب می شود. اما ساختار این بانک به گونه ای طراحی شده است که در مجموع در قالب استانداردهای مالی جهانی قرار می گیرد. به بیان شفاف تر فعالیت های مالی این بانک در قالب نظام موجود مالی جهانی که مبتنی بر دلار است

1- <https://www.iiss.org/online-analysis/online-analysis/2022/12/digital-silk-road-introduction/>

2- https://www.aiib.org/en/news-events/annual-report/2021/_common/pdf/2021_AIIBAnnualReport_web-reduced.pdf

صورت می‌گیرد. از همین رو علیرغم درخواست ایران، این بانک به دلیل تحریم‌ها قادر به پرداخت وام به کشورمان نبوده است.^۱

چهارمین نماد قاعده نویسی چین در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، شکل دهی به موافقتنامه تجارت آزاد موسوم به "مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای" است. این موافقتنامه از سال‌ها پیش در رقابت با موافقتنامه موسوم به مشارکت فراپاسیفیکی که از سوی آمریکا حمایت می‌شد طراحی گشت. آمریکا در دوره ترامپ از موافقتنامه مشارکت فراپاسیفیکی خارج شد و فرصتی برای چین فراهم آمد تا بزرگترین موافقتنامه تجارت آزاد جهان با محوریت خود و با حضور ۱۴ اقتصاد مهم آسیا پاسیفیک و با برخورداری از ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را شکل دهد. مذاکرات برای شکل دهی به این موافقتنامه از ۲۰۱۲ آغاز و در ۲۰۲۱ به سرانجام رسید. این موافقتنامه از اول ژانویه ۲۰۲۲ اجرایی شده است. این موافقتنامه همانگونه که از نام آن بر می‌آید جامع است و حوزه‌های وسیعی از تجارت کالا، تجارت خدمات، سرمایه‌گذاری، همکاری فنی و مالکیت معنوی را در بر می‌گیرد. نکته مهمی که باید بدان توجه داشت آنکه چین در طراحی این موافقتنامه و پیشبرد آن به استانداردهای تجارت آزاد و قواعد بین‌المللی این حوزه پایبند بوده است. اغلب کشورهای عضو این توافق از روابط نزدیکی با آمریکا برخوردارند.^۲

جمع بندی

بر مبنای آنچه آمد می‌توان گفت که چین جدیدی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل ظهور کرده است، چینی که حتی نسبت به یک دهه گذشته رفتار متفاوتی را در پیش گرفته است. اما چین جدید شوروی نیست و برنامه‌ای برای تکرار تجربه شوروی در اقتصاد سیاسی و سیاست بین‌الملل ندارد. چین همچنان دولتی توسعه‌گرا محسوب می‌شود و پیشبرد توسعه اقتصادی مهمترین عامل مشروعیت ساز برای حزب کمونیست این کشور است. به عبارت دیگر توسعه‌گرایی همچنان به اولویت‌های کلان سیاست داخلی و خارجی چین شکل می‌دهد.

پس از چهار دهه پیشبرد توسعه پرشتاب در این کشور، در سال‌های اخیر چین با چالش‌های توسعه‌ای نوینی مواجه شده است. پیامدهای مخرب پیشبرد سریع توسعه بر محیط زیست، خطر گرفتار شدن در دام درآمد متوسط، نیاز فزاینده به منابع و مواد خام و تغییر محیط بین‌المللی در راستای مقابله با نفوذ فزاینده این کشور را می‌توان به عنوان چالش‌های اصلی دولت توسعه‌گرای چین برشمرد. چین جدید برای پاسخگویی به این چالش‌ها اولویت‌های توسعه خود را در راستای گذار از کارخانه جهان به کانون

1-<https://eximnews.ir/news/20995/%D8%AF%D8%B1%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%DB%B5%DB%B0%DB%B0-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D9%88%D9%86-%D8%AF%D9%84%D8%A7%D8%B1-%D9%88%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D8%A8%D8%A7%D9%86%DA%A9-%D8%B2%DB%8C%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA-%D8%A2%D8%B3%DB%8C%D8%A7>

2-[https://asean.org/the-regional-comprehensive-economic-partnership-rcep/#:~:text=The%20Regional%20Comprehensive%20Economic%20Partnership%20\(RCEP\)%20is%20a%20free%20trade,FTA%20partners%20\(Australia%2C%20China%2C](https://asean.org/the-regional-comprehensive-economic-partnership-rcep/#:~:text=The%20Regional%20Comprehensive%20Economic%20Partnership%20(RCEP)%20is%20a%20free%20trade,FTA%20partners%20(Australia%2C%20China%2C)



فناوری و نوآوری جهان، پیشبرد توسعه سبز و کم کربن و تمرکز بر اقتصاد داخلی در قالب چرخه دوگانه تغییر داده است.

تغییر در اولویت‌های توسعه‌ای چین دیپلماسی اقتصادی این کشور را بازتعریف کرده است به گونه‌ای که چین از بازیگری قاعده‌پذیر به قدرتی قاعده‌نویس و ابتکارگرا در اقتصاد سیاسی بین‌الملل تغییر موقعیت داده است. سازمان همکاری‌های شانگهای، «ابتکار کمربند و راه» یا جاده ابریشم، شکل‌دهی به نظام نوین وام‌دهی، تاسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و شکل‌دهی به موافقتنامه مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای را می‌توان به عنوان نمادهای قاعده‌نویسی چین در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و کانون‌های دیپلماسی اقتصادی این کشور برشمرد.

علیرغم همه تغییرات راهبردی در سیاست‌های داخلی و محیط بین‌المللی چین، این کشور هنوز ساختار موجود اقتصاد سیاسی بین‌الملل را واجد فرصت‌های مهمی برای خود می‌داند و حفظ هسته اقتصاد سیاسی جهانی را در راستای منافع خود می‌پندارد. از همین‌رو، قاعده‌نویسی چین در اقتصاد سیاسی بین‌الملل در رقابت و نه در تعارض با قواعد سنتی و غرب محور این حوزه قرار دارد.

دقت در روند تحول در سیاست‌های توسعه‌ای چین و دیپلماسی اقتصادی این کشور برای ایران از اهمیت راهبردی برخوردار است. چین تغییر کرده است اما بر خلاف برخی برداشت‌ها در ایران، شوروی جدیدی نشده است. دولت چین هنوز توسعه‌گراست و حفظ هسته اقتصاد جهانی برای این کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بدان معناست که متغیر تحریم همچنان بر روابط چین با ایران تأثیرات منفی خواهد داشت. شرکت‌های چینی بویژه شرکت‌های بزرگ همچنان از مجازات‌های آمریکا هراسان خواهند بود و دولت چین احتمالاً به این شرکت‌های برای همکاری گسترده با ایران، به دلیل تبعات احتمالی آن بر منافع جهانی این شرکت‌ها فشار چندانی وارد نخواهد کرد. **چین برای حفظ "بقای اقتصادی" ایران در برابر فشار تحریم‌ها نقش فشارشکن را تداوم خواهد بخشید، اما نقش فعال و گسترده‌ای در "توسعه اقتصادی" ایران مادامی که تحریم‌ها تداوم یابد احتمالاً ایفا نخواهد کرد.** اجرای به شدت کند سند مشارکت راهبردی دو کشور، چند سال پس از امضای آن شاهدهی بر این مدعاست. در سطح سیاستگذاری کلان در تعامل با چین نباید **"اسیر" تصویر ساخته شده از چین در داخل ایران** شد. واقعیت سیاست‌های توسعه‌ای، دیپلماسی اقتصادی و روابط چین با ایران، با تصویر ساخته شده از این کشور در داخل تفاوت‌های مهمی دارد.